

صدای امواج دریا روی کاغذ...

گفت‌وگو با مجتبی ادیبی، گرافیست سرشناس مشهدی، به مناسبت برگزاری دومین نمایشگاه انفرادی اش در شیراز

امیر منصور رحیمیان

مجتبی ادیبی‌را خیلی وقت‌است کمی شناسم.از زمانی که‌به‌واسطه کاریکاتور و دفتر کاریکاتورحوزه هنری مشهد، آثار متفاوت او را رهش‌را از کاریکاتور جدا کرد. از آن‌ها هم به‌خاطر فرم‌های عجیب‌وغریب و ایده‌های جالبش، باعث تعجب و تحسین می شد و به همین واسطه در جشنواره‌های مختلف کارتون و کاریکاتور می‌درخشیدوافسوس که چندسال بعد راهش‌را از کاریکاتور جدا کرد. از آن‌ها خیلی وقت‌است که می‌گذرد و زندگی که یک‌جانبی ماند. مجتبی در پیچ‌وخم‌های زندگی از نگاه‌وفکر من و خیلی هادور شدو دنبال علاقه‌واشتیاق خودش رفت. خبر او را تا همین چندسال پیش از تهران داشتم، جایی که فرصت زیادی برای آزمون وخطا و تلاش در زمینه گرافیک وبازی کردن باشکل و فرم کلمات داشت. تلاش‌هایی که‌با‌لاخوه از مجتبی ادیبی یک گرافیست درجه یک و منحصر به فرد ساخت. تنهایی و غربت تهران، او را تبدیل به یکی از هنرمندان محبوب و کاربلد گرافیست کرد که امضای خودش را روی کوچک ترین آثارش هم می‌شوددید، رنگ‌ها، ترکیب‌بندی‌ها، بازی با کوچک‌ترین اجزای کلمات و فرم‌هایی که مخصوص خودش است و در هیچ جای دیگر نمی‌توان پیدا کرد. او در طول این سال‌ها، از تصویرسازی برای ناشران گرفته تا طراحی پوسترهای مختلف برای آثار مختلف تئاتر، آلبوم‌های موسیقی، تصویرسازی برای نشریات... و... حتی مشتریان غافل نبوده‌است. ولی آثار او بین هنرمندان و به‌طور خاص، کسانی که کار موسیقی انجام می‌دهند، هم طرفداران زیادی دارد. آثاری که تا کنون روی بسیاری آلبوم‌های درست و در میان موسیقی فولکور، پاپ، راک و بقیه انواع آن، نقش بسته و رایتگر آن‌ها بوده‌است. طوری که آثار طرح‌های او تجسم همان آلبوم موسیقی شده‌است. به تصویر نزدیک کردن و نقش‌زدن برای «گروه‌آماهی»، «امیرحسین شورچه و بقیه هنرمندان، یکی از بسیار کارهایی است که انجام داده‌است. او در نمایش دادن آثارش در فضای مجازی و اینترنت، خیلی دست‌ودل‌باز تراست تا کاران کارهایش در نمایشگاه‌های هنری. حاصل این همه سال کار کردن، دو نمایشگاه انفرادی است که یکی از آن‌ها طی سال‌های گذشته، در مشهد برگزار شده و دومین نمایشگاهش در حال برگزاری در شیراز دوست‌داشتنی است. به بهانه برپایی نمایشگاه آثارش در گالری آبنوس شیراز، با او گپی دوستانه زده‌ایم که می‌خوانید.

● در ابتدا، به دلیل برگزاری دومین نمایشگاه در شیراز به نو تبریک می‌گویم. شاید بهتر باشد در ابتدا از خودت بگویی...

من متولد سال ۱۳۶۶ در مشهد هستم. از همان کودکی تحت تأثیر و راهنمایی برادرم مجید، به نقاشی و طراحی علاقه مند شدم و در هنرستان «سینا» مشهد گرافیک خواندم. راستش من از اول تعریف مشخصی از هنر گرافیک نداشتم. با اصرار برادرم این رشته



را انتخاب کردم. از طرفی هنرستان من را در این رشته قبول نمی‌کرد. ولی با اصرار و پافشاری قبول کردند که در این رشته ادامه تحصیل بدهم. بعد از آن در کنکور سراسری شرکت کردم که قبول نشدم و ادامه تحصیل را در مقطع کاردانی رشته طراحی فرش دستباف پی‌گرفتم. این روند ادامه داشت تا سال ۱۳۸۵ که نمایشگاهی از آثار بیچه‌های رشته گرافیک هنرستان سینا برگزار شد و همان سال هم «رضاعادینی» گرافیست نامدار ایران، نمایشگاهی از آثارش را در مشهد برگزار کرد. با دیدن پوسترهای او مسیر زندگی ام عوض شد. من قبل از دیدن نمایشگاه عابدینی، کمی در کنار طرح‌هایم، با حروف هم تصویرسازی می‌کردم. برای همین طراحی‌هایم را بردم تا او ببیند. او هم با حوصله همه را دید و کمی در مورد اینکه چطور این کار را بهتر انجام بدهم، صحبت کرد. بعد از سعی کردم بیشتر با حروف، تصویرسازی بکنم و مطالعات خودم را بیشتر کردم. یکی دو سال بعد آن با «فرهاد فرونی» و «ایمان راد»، دو حید عرفانیان، آشنا شدم و در کارگاه‌های هنری آنها تجربه تازه‌ای از گرافیک به دست آوردم. شرکت در این کارگاه‌ها، به من کمک کرد تا کارهای بهتری بتوانم در زمینه تایپوگرافی انجام بدهم.

● پس اولین کسانی که از آن‌ها تأثیر گرفتم، همه آدم حساسی بوده‌اند؟ از ایمان راد و رضاعادینی و بقیه آدم‌هایی که سرراحت قرار گرفته‌اند. این خیلی خوب است که در این برهه که خودت جزو گرافیست‌های تأثیرگذار



شده‌ای، این‌ها را یادت هست. بله، اولین آدم زندگی هنری من برادرم بود. سپس عرفانیان و بعد از آن هم ایمان راد و رضاعادینی. کارآموزی و یاد گرفتن کارهایم را مدیون وحید عرفانیان هستم. به همین واسطه



پیشرفت هنرمند به خیلی عوامل بستگی دارد؛ به شرایط جامعه، خود آدم، مقدار توان و تلاش و شانس و ارتباط برقرار کردنش با بقیه. ولی به نظر اول از همه به تلاش و پشتکار هنرمند بستگی دارد. دومین عامل، برقراری ارتباطات مناسب است و سومین عامل هم شانس است

● به نظر من این بهترین حالت است که کسی کنارت باشد که بخیل نباشد. یعنی با خودش فکر نکند ممکن است فردا این آدم کارش از خودم جلو برزد. دقیقاً. من فکر می‌کنم از بزرگوار ی و قبلند ی آن آدم است که این طور می‌شود. کلا خط گرفتن و ادامه دادن این مسیر هم کار او بود. در نمایشگاه مشهد هم خیلی به من کمک کرد. همین راهنمایی‌ها باعث شد مسیرم را از کاریکاتور و کارتون به سمت گرافیک عوض کنم و به گرافیک روآوردم، البته بحث درآمذزایی از هنر هم قرار گرفته‌اند. این خیلی خوب است که در این



● مهاجرت به تهران به نظر می‌رسد خیلی به تو و کارت کمک کرد، خودت این‌طور فکر نمی‌کنی؟

زندگی در تهران خیلی کمک کرد به تبدیل شدنم به آنچه حالا هستم. به دلیل فضای آنجا بود که ارتباطاتم بیشتر شد و چرخ اقتصاد هم برای من بیشتر چرخید.

● گویا در مشهد این اتفاقات کمتر و به سختی رخ می‌دهد نمی‌افتد. تهران محل جمع شدن آدم‌های مختلف با هنرهای گوناگون و فرهنگ‌های متفاوت شده‌است. مثل گروه‌های موسیقی درست و درماتی که به تو سفارش کار داده‌اند. گروه داماهی هم یکی از آن‌هاست. از کجا با هم آشنا شدی؟ یعنی رزومه و نمونه کار فرستادی برای آن‌ها یا خودشان تو را پیدا کردند؟ راستش من نمی‌دانم چه کسی کارهایم را به آن‌ها معرفی کرد. (می‌خندد) گروه داماهی برای تصویرسازی روی آلبوم هایشان، دنبال گرافیست می‌گشت که من را به آن‌ها معرفی کردند. بعد دیده بودند کارهای من به فضای کاری شان نزدیک است و با هم جلسه ای گذاشتیم. در همان جلسه از اخلاق و سبک کاری یکدیگر خوشام آمد و باقی ماجرا را هم خودتان می‌دانید. در حقیقت خیلی اتفاقی با هم آشنا شدیم و به سرعت با هم شروع به فعالیت کردیم. شاید کار کردن در فضای نشریات هم کمک کرد به دیده شدن کارهایم ولی در واقع دیدار من با این گروه، کاملاً اتفاقی بود، البته قبل از این هم با گروه‌های موسیقی و برای آلبوم‌های موسیقی کار کرده بودم. ولی کار داماهی و امیرحسین شورچه بیشتر دیده شده‌است.

● راستش همیشه برایم سوال بوده‌است که این فرم‌های منحصر به فرد از کجا به ذهنت می‌رسد؟ من از کودکی به دلیل شرایط ویژه ای که برایم پیش آمد، وقت بیشتری برای نقاشی و خیال پردازی داشتم. در کودکی عمل جراحی قلب باز داشتم و در بیمارستان قائم مشهد

بستری بودم. آنجا کار دیگری نداشتم جز خیال پردازی و نقاشی ذهنی. همان چیزها بعد ها گنجینه‌ای از روایاها و فرم‌های آثارم شد. بعدها که وارد فضای کارتون و کاریکاتور شدم، از همان نقاشی‌ها کمک گرفتم و مجبور شدم برای رساندن منظورم روی طراحی‌هایم بیشتر کار کنم. همین پیش زمینه‌ها باعث شد در گرافیک هم به سمت کار دستی و خطی کشیده بشوم. به‌زبان ساده‌تر، تمام فرم‌هایی که الان در کارم مشاهده می‌شود، وام‌گرفته‌از نقاشی‌های دوره کودکی ام و کاریکاتورهایی است که کشیده‌ام.

● به نظر تو می‌توانی حتی صدا را به خط تبدیل کنی. یعنی بعضی کارهایت واقعا صدا دارند. روزه گرگ‌ها، صدای موج و باد در جنگل‌های بلوط را می‌شود در بعضی کارهایت به وضوح شنید. دوست دارم بدانم یک نفر با این حجم از خلایقیت، چرا این قدر در برگزاری نمایشگاه کم کار است؟ این نمایشگاه اخیر در شیراز، دومین نمایشگاه انفرادی از آثار ت است که برگزار می‌شود، اصلاً چرا شیراز را انتخاب کرده‌ای؟

من کمی از برگزاری نمایشگاه می‌ترسم. در نمایشگاه اولم، ایمان راد خیلی کمک کرد و محرک من بود. بعد آن باز هم کار کردم اما هیچ کدام را اکران نکردم. ولی الان تعدادی کار هنری را شروع کرده‌ام و تصمیم گرفته‌ام آن را بعد این نمایشگاه در تهران نمایش بدهم.

فکر کنم به سال بعد برسد. شیراز را هم به این دلیل انتخاب کردم که واقعا دوستش دارم هر چند که باز خورد خوبی نگرفتم از آن، چون زمان برگزاری نمایشگاه طوری است که می‌افتد وسط گرمی هوا و مردم کمی حاضری می‌شوند به نگارخانه بیاید، همزمانی امتحانات دانشگاه‌ها و... باعث شده مخاطب کمتری به نگارخانه بیاید. همه این‌ها به کنار، دلیل دیگری از دوستانم بوده که آنجا نگارخانه‌ای افتتاح کرده‌است. او خواست آثار من شروعی برای نگارخانه‌اش باشد. در مجموع باز خوردی که در مشهد گرفتم، از این نمایشگاه نگرفتم؛ البته که گرافیک تفاوت‌هایی با دیگر هنرهای تجسمی دارد. برای آدم‌هایی که غیر از گرافیک، کار دیگری ندارند. دریافت نکردن بازخورد مناسب از نمایشگاه، مسئله چندان تازه‌ای نیست. گرافیک حرفه ای نیاز چندانی به نمایشگاه فیزیکی ندارد.

● این بحث گرافیک حرفه‌ای هم خودش کلی جای صحبت دارد. اما به عنوان یکی از گرافیست‌های حرفه‌ای ایران چه مشکلاتی سر راحت هست؟ به طور کلی یک هنرمند حرفه‌ای، با این هنر می‌تواند گلیم خودش را از آب بگیرد؟ من فکر می‌کنم به خیلی چیزها بستگی دارد، به شرایط جامعه، خود آدم، مقدار توان و تلاشش و شانس و ارتباط برقرار کردنش با بقیه. ولی به نظر من اول از همه به تلاش و پشتکار هنرمند بستگی دارد. دومین عامل، برقراری ارتباطات مناسب است و سومین عامل هم شانس است. اگر هنرمندی که همه این‌ها را داشته باشد، به نظر می‌تواند بر مشکلات و مسائل پیروز بشود، البته اگر بخوایم درصدی حساب کنیم، بیشتر از ۷۰ درصد از مسائل با پشتکار حل شدنی است و بقیه به ارتباط با بقیه آدم‌ها و مشتری‌ای برمی‌گردد. ۱۰ درصد و کمتر به شانس برمی‌گردد که از آن هم می‌شود چشم‌پوشی کرد.

خبر ویژه



مراسم تشییع پیکر مرحوم استاد احمد مهدوی دامغانی با حضور چهره‌های شناخته‌شده حوزه‌های فرهنگ و اندیشه، امروز ساعت ۵ عصر در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود. به این مناسبت محمد حسین زاده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، در پیامی فقدان این عالم اندیشمند مشهدی را تسلیت گفت. در بخشی از این پیام آمده است: «استاد احمد مهدوی دامغانی پس از سال‌ها دوری از وطن، میهمان سرزمین مقدس و پرافتخاری خواهد بود که در طول سالیان دراز، لحظه‌ای از یاد و نام پرافتخارش فارغ نشد و سر بر آستان پرمهر امام و مقتدایی خواهد سواد که روزی را بدون عرض درود و ارادت به سوی آن قله‌گاه شریف آغاز نمود. شخصیت ارجمند و خردمند ی که به گواهی آثار گران قدر و شهادت بسیاری از بزرگان، عشق بی‌منت به فرهنگ و ادب و مرام و منش ایران و ایرانی و ارادت خالصانه به دین و مذهب و خاندان پاک پیامبر (صلی‌ا... علیه‌وآله) را به صورت توامان در دل داشت. ادیب و پژوهشگر برجسته و نامداری که با تحصیل در بالاترین سطوح حوزه و دانشگاه و تدریس در بزرگ‌ترین مراکز و محافل علمی و دانشگاهی داخل و خارج از کشور و نیز احاطه و تسلط بر زبان و ادب فارسی و عربی و انگلیسی، جامع علوم و معارف دینی و ادبی و پیوند دهنده این دو حوزه علمی و معرفتی بود.»

اخبار هنر مشهد

نمایشگاه گروهی آثار در «حامی»



نمایشگاه گروهی آثار نقاشی هنرجویان هنرستان البرز از پنجم تا هفتم تیرماه اسال ساعت ۱۷ تا ۲۱ در نگارخانه حامی برگزار می‌شود. در این نمایشگاه کسرخیر کوچک به عنوان مهمان افتخاری حضور دارد و الهه عابدینی، نمایشگاه گردان

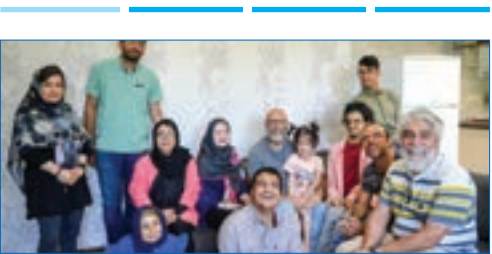
است. آثار مریم قدرتی، فاطمه قدرتی، نگین احمدی، رونا کینی‌کویی، ملیکا جلالیان خشنود، هلیا غریب، عطیه ربانی نسب، هلیا فاضلی، نیایش جاوید، آتنا سعید، کیانا قشنگ، مهرناز ارجمندی، مینا صدقاتی نژاد، ریحانه موسوی، وصال رفیعی راد، مینا سرسخت و فرناز بوندی به نمایش درمی‌آید.

بازیگر مشهدی با «علفزار» به هویزه آمد



اکران فیلم سینمایی «علفزار» امروز در سینماهای مشهد با حضور تعدادی از بازیگران این فیلم سینمایی همراه است. ستایش رجایی نیا بازیگر مشهدی تئاتر و سینما به همراه سارا بهرامی و ترلان پروانه ساعت ۲۰:۱۶ مهمان سینما هویزه خواهند بود. سپس این هنرمندان در سینماهای اطلس ویلاژ تورست با هواداران خود دیدار خواهند کرد. «علفزار» به نویسندگی و کارگردانی کاظم دانشی و تهیه‌کنندگی بهرام رادان در چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر در ۱۳ رشته نامزد دریافت سیمرغ خورشید و پژمان جمشیدی، ستاره پسیانی و صدف اسپهبدی از دیگر بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

«جناب‌خان»؛ در بین هنرمندان توان‌یاب مشهدی



در روزهایی که گذشت، هفت گروه از هنرمندان تئاتر مشهد در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان روی صحنه رفتند. این تئاترها با استقبال هنرمندان و مخاطبان روبه‌رو شد. در این میان، داوود کیانیان، هنرمند پیشکسوت تئاتر کشور، به تماشای نمایش‌های هنرمندان همشهری اش پرداخت. از میان عکس‌های منتشرشده در فضای مجازی، عکس حضور محمد بحرانی از هنرمندان بنام تئاتر عروسکی که مردم‌آورا بانام «جناب‌خان» می‌شناسند، در بین هنرمندان توان‌یاب مشهدی گروه تئاتر باران، بسیار دیدنی و جذاب بود. گروه تئاتر باران در این رویداد مهم با نمایش «خانم خزوک» به کارگردانی حمید کیانیان روی صحنه رفت.

فروش «گرفس» با جعفر «نوروز رنگی»



تئاتر «گرفس»، دوبار در دوسال متفاوت در مشهد روی صحنه رفت. یک بار با استقبال روبه‌رو شد و یک بار نه. این نمایش به کارگردانی آرمن ترابی و بازی حمیدرضا حافظ شجری، ابتدا قبل از صحنه رفت و این روزها دوباره با حضور حافظ شجری که برای بازی در نقش جعفر در سریال «نوروز رنگی» به شهرت رسید، این نمایش این بار توانسته است تماشاگر بسیاری را جذب کند و ۲۴۴ اجرا بیش از ۱۲ میلیون تومان فروش داشته باشد.

شهریار

فرهنگ و هنر